اخبار

عرضه نسخه بلوری «بادیگارد»

نسخه بلوری فیلم «بادیگارد» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در سومین دهه تیرماه در مراکز فروش محصولات ویژه فرهنگی نظیر شهرکتاب‌ها و مراکز تخصصی عرضه محصولات سمعی و بصری توزیع می‌شود. به گزارش تسنیم، از ویژگی‌های نسخه بلوری «بادیگارد» که با حجم ۵۰ گیگابایت آماده عرضه می‌شود وجود منوهای مختلف، زیرنویس‌های چندزبانه برای تمام آیتم‌ها، کلیپ‌های معرفی هر بخش و کیفیت تصویری بسیار بالا برای علاقه‌مندان حرفه‌ای سینما است. علت تأخیر در عرضه این نسخه که ابتدا قرار بود پاییز سال گذشته روانه بازار شود، طراحی برنامه‌های ویژه و برای نخستین‌بار تجربه شده در سینمای ایران در قالب بلوری است. کیفیت تصویری ارائه شده در این بلوری هم برای فیلم اصلی و هم برای سایر بخش‌ها همچون پشت‌صحنه، مصاحبه‌های تخصصی، عکس‌ها، فیلم به روایت کارگردان و... فراتر از کیفیت تصویری نسخه‌های دی‌وی دی نمایش خانگی است و با کیفیت اصلی نسخه دیجیتال در پرده سالن‌های مدرن برابری می‌کند. فیلم سینمایی «بادیگارد» محصول سازمان هنری-رسانه‌ای اوج بوده و توسط مؤسسه سینما ۲۴ (هنر اول) عرضه و توزیع می‌شود.

■■■

بهشتی را زود از دست دادیم

فرزین محدث نمایش «هفت روز از تیر شصت» را به کارگردانی مشترک محمد لارتی و کامران شهلایی در تالار سایه روی صحنه دارد و با بازی در نقش علیرضا نادعلی از اعضای حزب جمهوری اسلامی نقش متفاوتی را ایفا می‌کند. به گزارش تسنیم، محدث درباره جذابیت‌های این نمایش گفت: نمایش‌هایی که برگرفته از یک واقعه تاریخی هستند، همیشه جذابیت دارند و من هم چنین نقش‌هایی را می‌پسندم. کامران شهلایی متن خوبی نوشته و اتفاقات در کارگردانی، طراحی صحنه و ویدئوهای آماده شده برای پخش همه جالب است و بخوبی برهه‌ای از تاریخ ایران را روایت می‌کند که برای من جذاب است و از روایت کردنش لذت می‌برم. فرزین محدث درباره مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ویژگی شهید بهشتی که باعث می‌شود هنوز هم برای جوانان جذاب باشد، توضیح داد: شهید بهشتی شخصیتی جامع‌الشرایط بوده و همه خصوصیات در او دیده می‌شده و ما او را زود از دست دادیم و می‌توانست حضورش در انقلاب تأثیرات بسزایی داشته باشد. امام خمینی درباره ایشان فرمودند شهید بهشتی یک ملت بود. هر شب که اجرا تمام می‌شود تحت‌تأثیر فضای نمایش قرار می‌گیرم بویژه وقتی در مونولوگ آخر نمایش لحظات انفجار و شرایط بعد از آن را توضیح می‌دهم بیشتر ناراحت می‌شوم. خانواده شهدا هم حتماً وقتی این نمایش را می‌بینند تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. نمایش «هفت روز از تیر شصت» از روز چهارشنبه ۷ تیر ساعت ۲۰:۳۰ با مدت زمان ۹۰ دقیقه در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر به صحنه رفته است.

■■■

نقد «خرابات» در کانون فیلم سینماحقیقت

برنامه این هفته کانون فیلم «سینماحقیقت» مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به نمایش و نقد فیلم مستند «خرابات» ساخته «آرش اسحاقی» اختصاص یافته است. به گزارش فارس، این فیلم از ساعت ۱۷ عصر امروز یکشنبه ۱۸ تیر در سالن سینماحقیقت این «مرکز» به نمایش عمومی درآمده و سپس با حضور آرش اسحاقی (پژوهشگر، کارگردان و تدوینگر)، ناصر صفاریان و خسرو دهقان (منتقد میهمان) مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. «خرابات» به تهیه‌کنندگی طلا آزادروش و کارگردانی آرش اسحاقی، مستندی پژوهش‌محور در واکاوی ریشه‌های تصوف در ایران، با معرفی سلسله‌های فعال صوفیه همچون خاکساریه،قادریه،نعمت‌اللهی،چشتیه، نقشبندیه و... است که برای نخستین بار در نهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت به نمایش درآمد و نامزد بهترین پژوهش شد.

■■■

دفتر موسیقی اجرای حمید صفت را لغو کرد

صبح روز گذشته روابط عمومی نمایش «لامبورگینی» در خبری مدعی شد در پی مخالفت دفتر موسیقی وزارت ارشاد با حضور حمید صفت در این نمایش اجرای این خواننده در این نمایش لغو شده است. اگرچه در مجوز نمایش از حمید صفت به عنوان بازیگر نام برده شده است اما مشخص نیست آیا این تصمیم شامل بازی او نیز شده است یا نه؟ هفته گذشته با برگزاری نشست خبری نمایش در تماشاخانه شهرزاد و معرفی رسمی حمید صفت به عنوان عضوی از گروه، برخی رسانه‌ها با این مساله مخالفت کرده و حضور یک خواننده رپ روی صحنه را غیرقانونی دانستند.

نگاهی به رمان «بی‌کتابی»

نقد عادات سیاسیون در یک رمان سیاسی

سیف‌الله نجاریان: «کتاب»، این واژه برای بسیاری حالتی از شوق و جذبه ایجاد می‌کند. وقتی این کلمه بر زبان جاری می‌شود، بسیاری ناخودآگاه از خود بی‌خود می‌شوند و عنان از کف می‌دهند و برای دستیابی به یک کتاب [چاپ اول یا یک نسخه خطی] تلاش می‌کنند به آن دست پیدا کنند. البته این درجه از شیفتگی ممکن است در افراد مختلف تفاوت داشته باشد اما آنهایی که عشق کتاب هستند وقتی به کتاب و کتابفروشی و قفسه کتاب می‌رسند، نمی‌توانند خود را کنترل کنند. رمان «بی‌کتابی» اثر «محمدرضا شرفی‌خبوشان» که بتازگی روانه بازار کتاب شده، در حقیقت روایت یکی از آنهایی است که با شنیدن نام یک کتاب اختیار از دست می‌دهند و دل‌شان می‌لرزد. «میرزا یعقوب آنتیک‌فروش»، شخصیت اصلی رمان «بی‌کتابی» است که علاقه زیادی به نسخ خطی و چاپ سنگی کتاب دارد و برای دستیابی به کتاب‌ها، حاضر است هزینه‌های بسیاری کند. او حتی در این راه حاضر است از جانش نیز بگذرد و خطرهای بسیاری می‌کند. این کتاب در واقع روایتی است از وضعیت فرهنگ و فرهیختگان در ایران که حال و هوای کتاب در آن روزگار این مساله را به خواننده نشان می‌دهد که بسیاری اگر به کتاب اهمیت می‌دهند هم تنها به خاطر ظاهر آن است و از پوسته آن فراتر نمی‌روند. از آنجا که این رمان در زمان قاجار می‌گذرد، نویسنده در کنار پرداختن به وضعیت فرهنگی ایران آن عصر (که به عقیده نگارنده این متن، این کتاب را می‌شود در هر زمانی خواند و تعمیم داد. عصر قاجار از آنجا که دوران اوج انحطاط فرهنگی و سیاسی تاریخ ایران در سده‌های اخیر است، مورد اشاره قرار گرفته اگرنه هنوز نیز برخوردهای نادرست با فرهنگ صورت می‌گیرد) گوشه‌هایی از تاریخ آن روزگار مانند به توپ بستن مجلس، ترور ناصرالدین شاه، تاسیس مجلس و... را نیز برای خواننده روایت کرده است. حتی این مساله آنقدر خوب از کار در آمده که

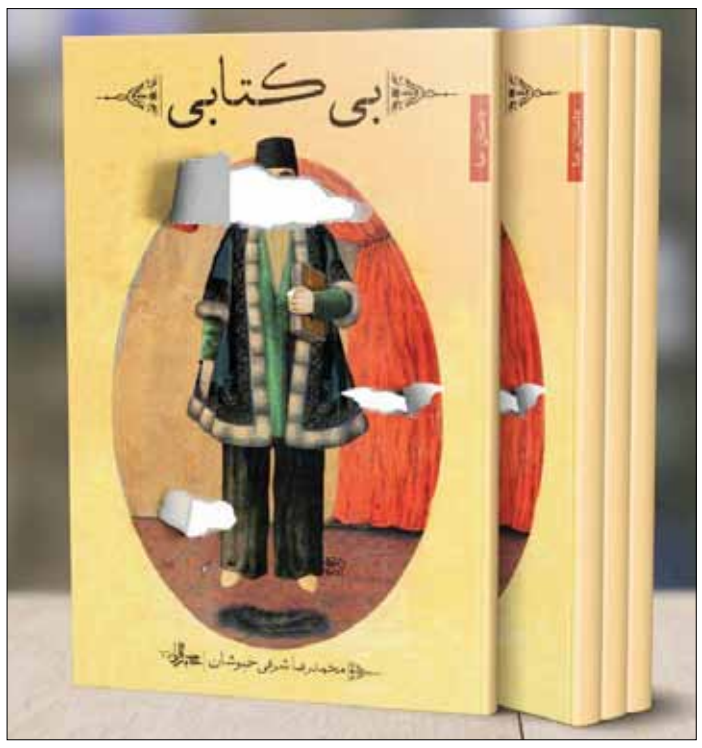

خواننده می‌تواند تحلیل‌های جدیدی از بخش‌هایی از تاریخ را به واسطه این رمان به دست بیاورد که اینها همه مدیون پرداخت هنرمندانه نویسنده است. شخصیت میرزا یعقوب در این کتاب کمتر به معرفت نهفته در کتب توجه دارد و بیشتر به تصاویر و جلدها و به طور کلی رنگ و لعاب کتاب‌ها توجه دارد و از این منظر به کتاب‌ها نگاه می‌کند و اهمیت کتاب‌ها از این حیث برایش در اولویت است و کاری ندارد که این کتاب به قلم چه کسی است بلکه برای او جلد و خط و نکات فیزیکی کتاب در اولویت است. از این رو یکی از نکات جالب توجه در این کتاب این است که اگر کسی هم در کشور به کتابی توجه نشان می‌دهد از روی تفنن است و کاری به محتوای داخل آن ندارد و خط آن و نقاشی‌های داخل کتاب مورد توجه است. ساختار روایت «بی‌کتابی» کتاب را تبدیل به اثری کرده که خواننده باید در خوانش آن مشارکت داشته باشد و نویسنده کوشیده روایتی را ارائه کند تا مشتش پیش خواننده از همان ابتدا باز نباشد. این تمهید به خواننده کمک می‌کند از مطالعه این رمان لذت ببرد و نویسنده را مورد تحسین قرار دهد.

نویسنده کوشیده در یک بستر تاریخی روایت خود از اوضاع فرهنگی کشور در یک بازه زمانی را به خواننده نشان دهد. حتی در بخش‌هایی این تصور به خواننده دست می‌دهد که بسیاری از مشکلاتی که گریبانگیر امروز ما است ریشه در خودمان دارد و بهتر است به جای دنبال مقصر رفتن خود را اصلاح کنیم. هرچه به پایان کتاب نزدیک می‌شویم روایت از کتابی به نام «ضحاک‌نامه» (که به ادعای نگارنده، شخصیت اصلی آن را به رمز برای ناصرالدین شاه مرقوم داشته) بیشتر می‌شود و خواننده با حجم زیادی از نقل قول‌ها روبه‌رو می‌شود که شاید این مساله کمی حوصله خواننده را سر ببرد ولی به نظر می‌رسد نویسنده می‌خواهد با طرح این موضوعات خواننده را به یک پایان نزدیک کند. پایانی که نشان می‌دهد ضحاک آن است که از محتوای کتاب‌ها به دور است و این همان رمزی است که در این کتاب نهفته است. وقتی شخصیت‌های داستان وارد غاری می‌شوند و ضحاک را در هیبت خودشان می‌بینند، خواننده ناخودآگاه حس می‌کند همه ضحاکی هستند که به بودن آن در درون خود وقوف ندارند. در کنار این موضوعات می‌توان رمان تازه شرفی‌خبوشان را یک رمان سیاسی خواند. نویسنده در این اثر گوشه‌هایی از خلقیات مردم ایران که در مواجهه با دستگاه حاکم از خود بروز می‌دهند بیان کرده است. او در این رمان به صورت غیر مستقیم به نقد برخی عادات سیاسیون و ملت پرداخته و آن را به خواننده گوشزد کرده است. هرچند به نظر می‌رسد نویسنده حواسش بوده که خود از زبان راوی به بیان این مسائل نپردازد و با نقل قول از کتب و نسخ قدیمی به این اقدام دست زده است که این در نوع خود اقدامی ظریف و هنرمندانه است که نویسنده با هوشمندی در متن روایتش آن را به خواننده ارائه کرده است. رمان «بی‌کتابی» اثر محمدرضا شرفی‌خبوشان را انتشارات شهرستان ادب در ۲۶۰ صفحه با قیمت ۲۰هزار تومان روانه بازار کتاب کرده است.

سینما

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با تهیه‌کننده افغانستانی سینمای ایران

سرم درد نمی‌کند با فرد دیگری کار کنم

گروه فرهنگ و هنر: «برادران محمودی» یکی از عبارات جالب در اخبار فرهنگی و هنری است به‌گونه‌ای که همکاری پیوسته این دو برادر باعث شده کمتر نام «نوید» و «جمشید» محمودی به زبان آید. فیلم «چند مترمکعب عشق» از جمله نخستین آثاری بود که برادران محمودی را به سینمای ایران معرفی کرد؛ فیلمی که در فضای بینافرهنگی ایران و افغانستان تولید شد و این دو برادر افغانستانی به‌واسطه چند مترمکعب توانستند سیمرغ بلورین بهترین فیلم بخش نگاه نو و سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی سی‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر را از آن خود کنند. نادر طالب‌زاده از این فیلم به عنوان الگوی مهندسی دوربین یاد کرد و با اشاره به پایان‌بندی دراماتیک و طبیعی آن گفت: «فیلم درباره اقلیتی به نام مهاجران افغان صحبت می‌کند و به‌رغم اینکه ما همیشه شعار حمایت از مهاجران را داده‌ایم، اما به آنان بی‌توجهی کرده و این فیلم دراماتیزه کردن یک حقیقت در کشور است. به نظرم این فیلم را باید در خارج از کشور اکران کرد و به دنیا نشان داد که ما بلدیم خودمان را نقد کنیم». برادران محمودی پس از «چند مترمکعب عشق» سراغ «رفتن» رفتند و برای دومین‌بار نمایندگی افغانستان را در جشنواره اسکار برعهده گرفتند. نکته جالب آنجاست که برادران محمودی به صورت یکی در میان کارگردانی و تهیه‌کنندگی آثارشان را برعهده می‌گیرند. «چند

مترمکعب عشق» به کارگردانی جمشید محمودی و «رفتن» به کارگردانی نوید محمودی تولید شده است. همچنین برادران محمودی سینمایی «شکستن همزمان بیست استخوان» را در دستور کار قرار داده‌اند. نوید محمودی در گفت‌وگو با «وطن‌امروز» با اشاره به سریال جدید خود و برادرش به نام «سایه‌بان» با اشاره به آغاز پیش‌تولید این سریال برای شبکه ۲ اظهار داشت: همانطور که در رسانه‌ها مطرح کردیم، سایه‌بان قصه زندگی امروز ما و شماست. ۲ رفیق که در منطقه‌ای کارگرنشین بزرگ شده‌اند، تا پای جان تلاش می‌کنند که چراغ خانه‌های‌شان را روشن نگه دارند و در برابر سرنوشت سرکش ایستاده‌اند. عشق و ایمان در رگ‌های‌شان خون می‌شود تا از پا نیفتند و به رحمت خدا و فرداهای بهتر دلخوش بمانند. اما زخمی در راه است؛ زخمی که برای رفاقت دیرینه‌شان سنگ محکی است. نوید محمودی پیش از این اظهار داشت: من و برادرم، افغانستانی‌الاصل هستیم. ما ۳۰ سال است در ایران مهاجر هستیم و جالب است بدانید که هنوز شناسنامه نداریم! من و جمشید در ایران به دنیا آمدیم اما نمی‌توانیم تابعیت ایران را بگیریم. به نظرم علت اینکه ایرانی‌ها این فیلم را دوست دارند به این خاطر است که این فیلم کاملا واقعی است. محمودی در پاسخ به این سوال که زندگی معمولی برای مهاجران افغان در ایران چندان آسان نیست و برادران محمودی چگونه توانسته‌اند در این مدت علاوه بر توفیق در سینمای ایران به تلویزیون راه پیدا کنند، گفت: معتقدم آدم‌ها مسیرشان را انتخاب می‌کنند. تلاش می‌کنند و به نتیجه می‌رسند. اگر بناست هر آدمی به نتیجه مطلوبش برسد، باید هدفش را انتخاب کرده و در راه هدفش تلاش کند تا به آن برسد. من هم به فیلمسازی علاقه داشتم و تلاشم را کردم تا به اینجا برسم. محمودی در پاسخ به این سوال که چرا «چند مترمکعب عشق» و «رفتن» به‌عنوان نماینده افغانستان در اسکار انتخاب شدند، بیان کرد: هر فیلمی به شورای سیاست‌گذاری راه پیدا می‌کند، ما نیز فیلم‌مان را در شورای هر دو کشور داشتیم، افغانستان به جهت شرایط بهتر فیلم ما و کمبود آثار نمایشی، این فیلم‌ها را برای اسکار انتخاب کرد و اگر ایران هم می‌خواست می‌توانست فیلم ما را انتخاب کند. وی با اشاره به عدم انتخاب فیلم‌های افغانستانی در اسکار در طول ۱۱ سال اخیر گفت: من چون در ایران فیلم می‌سازم، اطلاع چندانی از تولیدات نمایشی در افغانستان ندارم. نوید محمودی در پاسخ به این سوال که تا چه زمانی «برادرانه» فیلم می‌سازند، گفت: طبیعتا وقتی که کار با فردی برای آدم جذابیت داشته باشد، به دنبال همکاری با او خواهد رفت، وقتی شما برادری دارید که برای‌تان فیلم بسازد سرتان درد نمی‌کند سراغ فرد دیگری بروید. ما در هر زمانی احساس کنیم جمشید بسازد، او می‌سازد و هر زمان بنا باشد من بسازم، من می‌سازم.

موسیقی

گزارشی از آثار و فعالیت‌های استاد مجید انتظامی

برای همیشه استاد موسیقی ایران

«مجید انتظامی» نامی است که این روزها به دلیل بیماری وی، بیشتر بر سر زبان رسانه‌ها افتاده است، در حالی که این نام همواره بر سردر موسیقی دفاع‌مقدس و در خاطرات مشترک ایرانی‌ها درخشان مانده است. بدون شک ماندگاری « از کرخه تا راین»، «آژانس شیشه‌ای»، «روز واقعه»، «دوئل» و... مرهون نوازش دستان انتظامی بر نت‌های موسیقی است. سمفونی‌های «ایثار»، «خرمشهر»، «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» و... نیز در زمره خاطرات مشترک و به‌یادماندنی ما ایرانی‌ها قرار می‌گیرد که در طول پیش و پس از انقلاب جزو ماندگارترین‌ها محسوب می‌شود. انتظامی قدرت اعجاب‌انگیزی در تولید موسیقی متن فیلم دارد به‌گونه‌ای که می‌توان اقرار کرد این نت‌ها از دل فیلم برخاسته و خود، دیالوگی مجزا برای انتقال احساس محسوب می‌شوند. به گزارش رسانه انقلاب، در دیالوگ حاج کاظم و ابوذر از پشت فنس آژانس، موسیقی در ابتدا آرام و همراه با صحبت‌های پدر و پسر گام برمی‌دارد و نه از آنها جلو می‌زند و نه عقب می‌ماند و بعد درست در لحظه‌ای که پدر مچ پسر را می‌خواباند، یکباره موسیقی حس عاطفی عجیبی ایجاد می‌کند و بیننده همراه اشک‌های حاج‌کاظم و پسرش به گریه می‌افتد. او برای بیشتر آثار «حاتمی‌کیا» موسیقی ساخته است و بدون شک در شکل‌گیری ماهیت موسیقی فیلم‌های وی موثر بوده است. آثار «حاتمی‌کیا» با موسیقی «انتظامی» جان واقعی دارد. باز اگر بخواهیم مثال دیگری بزنیم خوب است ۲ سکانس از فیلم‌های «از کرخه تا راین» و «بوی پیراهن یوسف» را به بیاد بیاوریم؛ در صحنه ابتدایی فیلم «از کرخه تا راین» که هواپیمای حامل سرنشینی به نام «سعید»، مجروح شیمیایی فرود می‌آید، یک موسیقی سنگین که انگار روی سینه انسان فشار می‌آورد، شنیده می‌شود که انگار می‌خواهد خبری بدهد، خبر درد بزرگی که از ایران برای شنیده شدن به آلمان آمده است. اگر به این صحنه دقت نکرده‌اید، یک بار دیگر آن را ببینید. این فیلم البته قطعات بسیار شنیدنی دیگری نیز دارد، مانند قطعه اصلی فیلم که مردی درحال فلوت زدن در خیابان است. یا در قطعه پایانی و اصلی «بوی پیراهن یوسف» حس انتظار و وصل و رسیدن به مرادی بعد از مدت‌ها بخوبی در ۲ فراز و فرود منتقل می‌شود؛ ابتدا صدایی که بعضا در برخی دیگر از قطعات موسیقی انتظامی شنیده می‌شود مانند نوایی است که از هجران شکایت می‌کند و بعد هم موسیقی با دف حالت هیجانی پیدا می‌کند و حس رسیدن به مقصود را در شنونده ایجاد می‌کند؛ هنرمندانه و تاثیرگذار. استاد «انتظامی» در شناخت آلات و ادوات موسیقی نواحی و محلی ایران و حتی جهان و به کار بستن آنها در سکانس‌های مربوط تبحر بسیاری دارد، مثلا

در فیلم «روز واقعه» با توجه به آنکه فضای فیلم در میان اعراب و فضای بادیه‌نشینی و صحراگردی می‌گذرد، سازهای عربی و کوبه‌ای استفاده می‌شود و هلهله و کل کشیدن نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. یا در فیلم «دوئل» که در فضای جنوبی ایران می‌گذرد، استفاده از نی‌عنبان و نواهای جنوبی که لحظات کار ماهیگیران و صیادان در بندر را یادآوری می‌کند بخوبی ما را به آن شهر و دیار می‌برد. ایشان حتی در فیلمی مثل «مریم مقدس» که داستان زندگی مریم مقدس است و اتمسفر مسیحیت بر آن حاکم است از لحن و سبک کلیسایی برای موسیقی فیلم استفاده کرده و حتی نواهایی مثل تسبیح عبرانی کلیسا را در لحظاتی از فیلم قرار داده است. اینها همه نشان از فهم، دقت و ذوق سرشار این استاد دارد. اگر به عناوین قطعات موسیقی فیلم ساخته شده توسط وی و خود ترانه دقت کنید، متوجه می‌شوید که از چه همخوانی خوبی برخوردارند و نام قطعه با آنچه ساخته شده است کاملا منطبق است اما بعد از فیلم‌ها باید سراغ سمفونی‌ها رفت، سمفونی‌های «انتظامی» کم از موسیقی فیلم‌های وی نیست. سمفونی‌ها که غالبا با نمایش موزیکال همراهند چه در لحظات حزن و اندوه و چه البته در لحظات حماسی کم‌نظیرند. «انتظامی» در مقام رهبر یک سمفونی که متشکل از چندین و چند نوع ساز زهی و کوبه‌ای و رشته‌ای است، اتحاد و همنوایی بسیار عالی ایجاد می‌کند. دف‌ها و طبل‌ها همراه با سنج و دمام و نی‌عنبان به عنوان ساز و آلات هیجان‌ساز که رو و سطح اثر هستند، همراه با ویولن و ویولن‌سل که در زیر زمینه‌سازی می‌کنند ترکیب خوبی را پیدا می‌کنند و از هارمونی مناسبی برخوردار می‌شوند. قطعه «خیزش» از سمفونی «خرمشهر» استاد یکی از شاهکارترین قطعات موسیقی حماسی ایران است.

استاد بیش از موسیقی ۸۰ فیلم، ۵ مجموعه تلویزیونی و ۶ سمفونی را ساخته‌اند که در نوع خود و در میان آهنگسازان موسیقی دنیا کم‌نظیر است. «جان ویلیامز» که از برترین چهره‌های موسیقی غرب است و در آثار سینمایی زیادی مانند «فهرست شیندلر» موسیقی ساخته است و از سال ۱۹۵۸ مشغول کار است؛ ۸۶ کار تولید کرده که در قیاس با استاد «انتظامی» بسیار کمتر است. استاد انتظامی ۱۶ بار نامزد جوایز هنری در جشنواره‌های سینمایی شده است که از این تعداد ۹ بار برنده جوایزی از جمله سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن برای فیلم «آژانس شیشه‌ای» در شانزدهمین جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن برای فیلم «روز واقعه» در سیزدهمین جشنواره فیلم فجر و دیپلم افتخار بهترین موسیقی متن برای فیلم «از کرخه تا راین» در یازدهمین جشنواره فیلم فجر شده است.

رویدادها

هنرمندان برای حضور در جشنواره‌های خارجی آموزش ببینند

کارگردان سریال تلویزیونی «کلاه پهلوی» گفت: هنرمندان ایرانی برای حضور در رویدادها و جشنواره‌های خارجی باید از لحاظ نوع پوشش ظاهری آموزش ببینند. به گزارش ایرنا، سید ضیاالدین دری افزود: نظر به اینکه ایران از یک قدمت تاریخی و فرهنگ غنی برخوردار است، هنرمندان از جمله بازیگران کشور وقتی در رویدادهای جهانی حضور می‌یابند، به نوعی نماینده این فرهنگ غنی هستند. کارگردان سریال تلویزیونی «کیف انگلیسی» ادامه داد: برخی هنرمندان بر این باورند که در خارج از کشور می‌توانند هر نوع پوشش ظاهری داشته باشند در حالی که این نگرش به نوع نگاه مردم کشورهای خارجی درباره ایران تاثیر منفی می‌گذارد. دری با بیان اینکه مردم کشورهای خارجی قضاوت می‌کنند ما کشور عقب‌مانده‌ای هستیم و آداب و رسوم را نمی‌دانیم، تصریح کرد: متاسفانه برخی هنرمندان با پوشش ظاهری نامناسب خود در این کشورها، فرهنگ ایرانی را زیر سوال می‌برند. وی ادامه داد: متاسفانه هنوز برخی هنرمندان نمی‌دانند نوع پوشش ظاهری در رویدادهای خارج از کشور متفاوت است و تصور دارند که حضور در هر جا و مکانی فرش قرمز بوده و با هر ظاهری می‌توانند حضور داشته باشند.

■■■

افتتاح نمایشگاه عکس «جنه‌البقیع»

نمایشگاه عکس گروهی با عنوان «جنه‌البقیع» در حوزه هنری افتتاح می‌شود. به گزارش فارس، این نمایشگاه عکس گروهی یکشنبه ۱۸ تیرماه ساعت ۱۶ در گالری شماره یک خانه عکاسان ایران حوزه هنری افتتاح خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند از نمایشگاه عکس «جنه‌البقیع» از دوشنبه ۱۹ تا ۲۶ تیرماه از ساعت ۹ تا ۱۸ در محل گالری شماره یک خانه عکاسان ایران واقع در خیابان سمیه، تقاطع حافظ، حوزه هنری بازدید کنند.

■■■

«سیصدوبیست‌وپنج» منتشر شد

رمان «سیصدوبیست‌وپنج» نوشته حمیدرضا صدر با محوریت شخصیت حسنعلی منصور یکی از نخست وزیرهای محمدرضا پهلوی توسط نشر چشمه منتشر و راهی بازار نشر شد. این کتاب سومین عنوان از مجموعه «تاداستان» است که توسط چشمه منتشر می‌شود. صدر پس از نوشتن کتاب «تو در قاهره خواهی مرد» درباره محمدرضا پهلوی که آن کتاب هم به نوعی در گروه ناداستان‌ها قرار می‌گیرد، سراغ موضوع نخست‌وزیری ۳۲۵ روزه حسنعلی منصور رفته است. منصور یکی از چهره‌های مرموز تاریخ سلطنت پهلوی دوم در ایران است و در حالی که ۳۲۵ روز از نخست وزیری‌اش می‌گذشت، توسط گروه فداییان اسلام مقابل مجلس شورای ملی ترور شده و چند روز بعد از آن، در بیمارستان درگذشت. کاری که صدر در کتاب «سیصدوبیست‌وپنج» روز انجام داده، روایت آن روزگار و گره زدن این روایت با درونیات و ذهنیات حسنعلی منصور از دید راوی دوم شخص بوده است. این داستان‌نویس، علاوه بر آوردن واقعیات تاریخی در رمانش، شخصیت منصور را واکاوی کرده و وجوه مختلف آن را با قلمش به تصویر کشیده است.

■■■

جیرانی با «پاییز تنهایی» به تلویزیون می‌آید

فریدون جیرانی بعد از ساخت سریال «تعبیر وارونه یک رویا» قرار است با تولید سریال «پاییز تنهایی» به تلویزیون بازگردد. به گزارش فارس، سریال «پاییز تنهایی» به کارگردانی فریدون جیرانی قرار است برای شبکه ۵ سیما تولید شود. این سریال ملودرامی اجتماعی- خانوادگی است که به قلم خانم لاهیجانی در حال نگارش است و به تهیه‌کنندگی رحمان سیفی‌آزاد ساخته می‌شود. «پاییز تنهایی» به برخی مسائل اجتماعی نظیر بلندپروازی جوان‌ها و نوع نگاه‌شان به زندگی و ازدواج می‌پردازد. جیرانی پیش از این سریال‌های «تعبیر وارونه یک رویا» و «مرگ تدریجی یک رویا» را برای تلویزیون ساخته است.

شعر

قطعه موسیقی «آوردگاه» با صدای اسفندیار قره‌باغی و با موضوع مدافعان حرم چند روز پیش منتشر شد. شعر این قطعه را میلاد عرفان‌پور سروده و بنیاد صبح قریب آن را منتشر کرده است.

آوردگاه یعنی از عافیت بریدن
یعنی رهایی از خاک، به آسمان رسیدن
با یک صدای واحد رفتن به بام فریاد
با غیرت علمدار سوی حرم دویدن
تا موج سرکشی هست، چون صخره‌ها صبوریم
ما آیه‌های فتحیم، ما راهیان نوریم
ما را به آسمان برد راهی که عشق فرمود
جان را به او سپردم، احلی من العسل بود